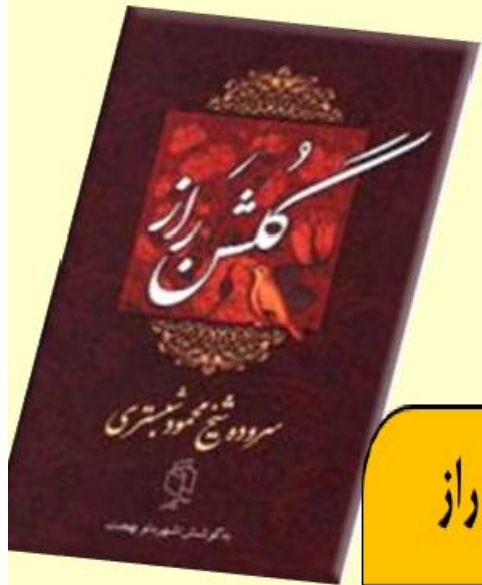


## مفہوم لقمہ ای شعر

حمد، ستایش و بزرگداشت پروردگار کریمی است کہ عقل و فرد، نمی تواند اورا درک کند. در شعر به برفی از صفات خداوند اشاره شده است و همه ی جهان، را کتابی برای معرفت و شناخت او معرفی می کند.

تہیہ کنندہ: بیلا محمودزادہ



شیخ محمود شبستری، گلشن راز  
شاعر قرن هشتم

قالب شعر : مثنوی

به نام آنکه جان، را فکرت آموخت

چراغ دل به نور جان برافروخت

قافیه: آموخت و برافروخت

فعل: آموخت و برافروخت (روشن کرد) **۳ جمله فبری**

آرایه ها: تشبیه (چراغ دل و نور جان) و تناسب (دل، جان و فکر - نور و برافروختن) و تکرار لفظی جان و جان بفتی (آموختن را به جان) نسبت داده است.

مفعول: فکرت و چراغ دل

ترکیب اضافی: چراغ دل - نور جان

معنی: به نام خدایی آغاز می کنم که برای روح و جان، عقل و فرد را قرار داد و دل، آکه به مانند چراغیست با نور جان و روح روشن کرد.

مفهوم بیت: ستایش پروردگار



جهان جمله، فروغ نور حق، دان

حق اندر وی، ز پیدایی است پنهان

قافیه: دان و پنهان

نهاد: در مصراع اول «تو» که محذوف است و در مصراع دوم «حق»

فعل: دان - است (هر دو مضارع) ۲ جمله امری و فبرری

آرایه: تضاد (پیدا و پنهان) و تناسب (فروغ و نور) و تکرار کلمه (حق)

مفعول: جهان

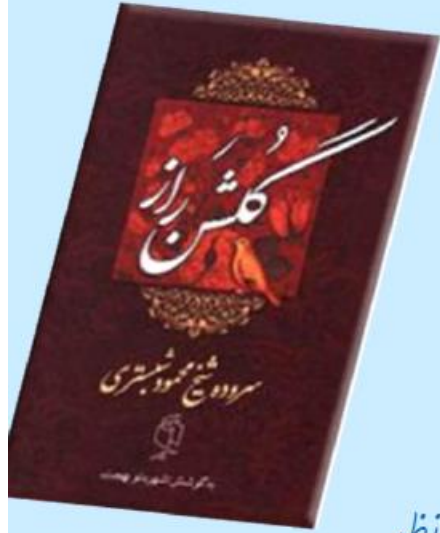
ترکیب اضافی: فروغ نور - نور حق

قید: جمله (به معنی سراسر)

معنی: تمام جهان را پرتوی از مهر و نور خداوند بدان چرا که او از بس آشکار است، پنهان به نظر

می رسد.

مفهوم بیت: بیان صفاتی از پروردگار



نهیہ کنندہ: لیلیا محمود ذریابہ

شیخ محمود شبستری، گلشن راز

فرد را نیست تاب نور آن روی

برو از بهر او، چشم دگر جوی



تهیه کننده: لیلیا محمودزاده

قافیه: روی و جوی

فعل: نیست ، برو ، جوی (هر سه مضارع) ۳ جمله فبریه، امری، امری  
نهاد: جمله ی اول «فرد» و جمله ی دوم و سوم «تو» که مفعول است.  
مفعول: تاب نور آن روی - چشم دگر- را در اینجا نشانه ی مفعول نیست .  
ترکیب اضافی: تاب نور - نور آن روی

آرایه: تاب نور روی نداشتن کنایه از ناتوانی و عاجز بودن - چشم دگر بستن کنایه از ظاهر را رها کردن و به دنبال حقیقت رفتن و تناسب (روی و چشم) و تشفیص (فرد را تاب نیست) تاب و توان ویژگی انسان است نه فرد .  
معنی: عقل انسان توانایی درک نور خداوندی را ندارد، برای دیدن خداوند باید با چشم دیگری او را جستجو کرد نه با چشم سر. یعنی با چشم سر نمی توان خداوند را دید و انسان برای درک و دیدن خداوند به دل پاک نیاز دارد.

مفهوم بیت: بیان عظمت پروردگار

شیخ محمود شبستری، گلشن راز



در او هرچه بگفتند از کم و بیش

نشانی داده اند از دیده ی فویش

قافیه: بیش و فویش

فعل: بگفتند و داده اند (ماضی) ۲ جمله ی خبری

نهاد: در هر دو جمله «آنها» که ممزوف است

مفعول: در مصراع اول «هرچه» و در مصراع دوم «نشانی»

ترکیب اضافی: دیده ی فویش

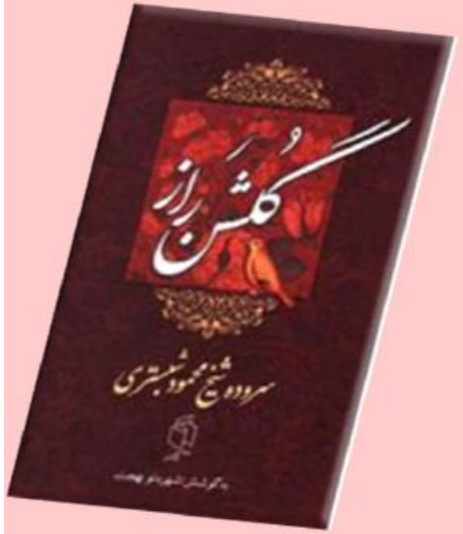
آرایه: تضاد (کم و بیش)

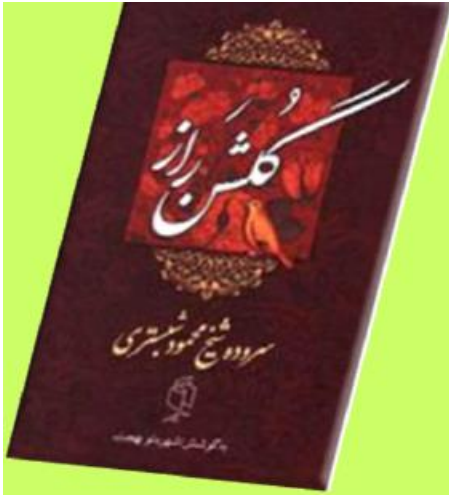
تهیه کننده: لیلا محمودزاده

معنی: هر چه که دیگران درباره ی خداوند گفته اند، کم یا زیاد، در حقیقت نوع نگاه و ادراک خود را بیان نموده اند. خداوند از درک و فهم آنها بالاتر است.

مفهوم بیت: ضعف بشر در شناخت خداوند

شیخ محمود شبستری، گلشن راز





همه عالم کتاب حق تعالی است

به نزد آنکه جانش در تبلی است

قافیه: تبلی و حق تعالی

ردیف: است و است ۲ جمله ی فبری

نهاد: جانش - همه عالم

آرایه: جان در تبلی بودن کنایه از همراه شدن با خداوند است. و تشبیه (عالم به کتاب تشبیه شده است)

ترکیب اضافی: کتاب حق تعالی - جانش یعنی جان او

معنی: در نظر کسی که جان و روشش با خداوند گاه و آینه ی خداوند باشد، تمام دنیا مانند کتابی است که هر صفحه از آن راهی برای شناخت خداوند است.

مفهوم بیت: عالم نشانه ی خداست.

تشبیه کننده: لیلیا محمودزاده

شیخ محمود شبستری، گلشن راز

## لغات درس ستایش

در او: درباره‌ی او

دیده: چشم

تجلی: پیدا شدن، آشکار شدن

تعالی: بلند مرتبه، برتر

جمله: همه، تمام

فروع: نور، روشنایی

حق: خداوند

وی: او

خرد: عقل

تاب: طاقت، تحمل

توانایی

از بهر: برای

جان: روح

فکرت: فکر کردن، اندیشه، تفکر

برافروخت: روشن کرد

فضل: احسان، بخشش

عالم: جهان، دنیا

گشت: شد

ز: از

فیض: بخشش

گلشن: گلستان

هم

## خانواده

فکر = تفکر، افکار

نور = انوار، منور

فضل = فضیلت، فضایل، فاضل

حق = حقوق، حقایق

تعالی = عتالی، اعلا

تهیه کننده: لیلا محمود ذریاده



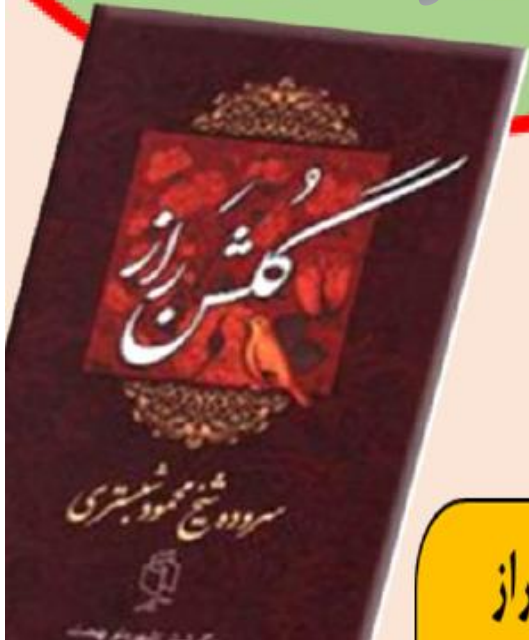
مخالف

(متضاد)

روشن ≠ خاموش

پیدا ≠ پنهان

کم ≠ بیش، زیاد



شیخ محمود شبستری، گلشن راز